



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الخامس: مايفضل عن مؤونة السنة
 موضوع جزئی: مسئله دهم - مبدأ سنة - اقوال شش گانه - قول ششم
 تاریخ: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵
 مصادف با: ۱۸ رجب ۱۴۳۷
 سال ششم
 جلسه: ۹۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

تتمه‌ای از قول ششم باقی مانده که آن را عرض کرده و سپس این قول را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ عرض کردیم بر اساس قول ششم بین طریقه مجموعی و طریقه انحلالی ارباح در مقایسه با مؤونه‌ها تفاوت وجود دارد؛ در طریقه انحلالی که هر ربی مستقلاً ملاحظه می‌شود و مؤونه‌های مرتبط با آن از آن ربح در مدت یکسال کسر می‌شود مبدء سنة عبارت از زمان حصول ربح است مطلقاً. ایشان دو تقریب برای این ادعا ذکر کرده‌اند: یکی اینکه این زمان با توجه به لزوم لحاظ استقلالی ارباح تعیین دارد و زمان دیگری قابل تصور نیست و دیگری از راه صدق عنوانی است که عنوان «مؤونة السنة» به مقتضای ادله استثناء مؤونه تنها زمانی صادق است که ربح حاصل شده باشد و مؤونه از آن کسر شود.

اما بنا بر طریقه مجموعی که مجموع ارباح با هم لحاظ شوند و مؤونه‌ها در طی یکسال از مجموع این ارباح کسر شود، ایشان فرمود همانند مشهور باید بین تکسبات و غیر تکسبات تفصیل دهیم. در غیر تکسبات مبدأ را زمان حصول ربح قرار می‌دهیم و همان دو تقریبی که گفته شد در این فرض هم جریان دارد یعنی اگر ما قائل به طریقه مجموعی شدیم و فائده و ربح هم از غیر طریق کسب حاصل شده باشد، چاره‌ای نداریم جز اینکه مبدء سنة را زمان حصول ربح قرار دهیم یا از باب اینکه این زمان تعیین دارد یعنی زمان دیگری نمی‌توانیم تصور کنیم، مثلاً نمی‌توانیم زمان شروع کسب را در مورد فوایدی مثل هبه و ارث به عنوان مبدأ سنة قرار دهیم چون اصلاً کسی نیست تا زمان شروع آن بخواهد به عنوان مبدأ قرار گیرد و یا به جهت صدق عنوان «مؤونة السنة» و اینکه این عنوان صرفاً زمانی تحقق پیدا می‌کند و صادق است که ربح محقق شده باشد و این مؤونه از آن خارج شود. این مقتضای ادله استثناء مؤونه سنة است.

پس در غیر تکسبات بر اساس هر دو تقریبی که گفته شد مبدأ سنة زمان حصول ربح است.

ادله قول ششم

اما در تکسبات مبدأ عبارت است از زمان شروع کسب. در مواردی که فائده و سودی از راه کسب و کار بدست می‌آید چنانچه مبنای ما، مبنای مجموعی باشد و قائل باشیم مجموع ارباح با هم ملاحظه می‌شوند و مجموع مؤونه‌ها با هم از این ارباح کسر می‌شوند به چه دلیل مبدأ را زمان شروع کسب قرار دهیم؟ چون نظر مشهور این بود؛ مشهور و از جمله مرحوم سید در تکسبات گفتند مبدأ عبارت از زمان شروع کسب است، حال آیا آن دو تقریبی که اشاره شد، در اینجا جریان پیدا می‌کند؟ باید این دو را بررسی کنیم.

تقریب اول در مورد تکسبات جریان ندارد. تقریب اول این بود که زمان حصول ربح تعیین دارد. یعنی اینکه قرار دادن زمان دیگری غیر از زمان حصول ربح معقول نیست بلکه تنها یک زمان را می‌توانیم به عنوان مبدأ قرار دهیم و آن هم زمان حصول ربح است. حال ببینیم این تقریب در مورد ارباح حاصل از کسب قابل تطبیق هست یا نیست؟

اینجا فرض این است که ربح و فائده از طریق کسب و کار حاصل می‌شود. اینگونه نیست که ربح ناشی از چیزی و طریق به غیر از کسب و کار باشد، مثلاً کسی تجارت می‌کند و سودی بدست می‌آورد. اینجا هم ما می‌توانیم مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم و هم می‌توانیم زمان شروع کسب قرار دهیم. یعنی هر دو امکان دارد. به عبارت دیگر زمان حصول ربح تعیین ندارد. در فروض قبلی زمان حصول ربح و فائده تعیین داشت یعنی ما اساساً نمی‌توانستیم زمان شروع کسب را به عنوان مبدأ قرار دهیم یا به این عنوان که اصلاً کسبی نبود یا به این جهت که مبنای ما مبنای انحلالی بود یعنی هر ربحتی را باید مستقلاً لحاظ می‌کردیم. معلوم است در جایی که قرار است ربح مستقلاً لحاظ شود و هر ربحتی برای خودش یک سال و سنه‌ای داشته باشد، ما چاره‌ای نداریم جز اینکه مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم. در آن فرض دیگر نمی‌توانستیم مبدأ را زمان شروع کسب قرار دهیم.

پس در دو مورد قبلی طبق تقریب اول زمان حصول ربح برای ما متعین بود و زمان دیگری برای ما قابل تصور نبود، قهراً وقتی یک زمان متعین است و امکان قرار دادن زمان دیگری به عنوان مبدأ وجود ندارد، باید همان زمان را مبدأ قرار دهیم.

اما اینجا هر چند ممکن است زمان حصول ربح به عنوان مبدأ قرار داده شود اما متعین نیست یعنی همانگونه که ما می‌توانیم زمان حصول ربح را مبدأ قرار دهیم، برای ما امکان دارد زمان شروع کسب را مبدأ قرار دهیم. پس اینگونه نیست که یک زمان خاصی متعین باشد و ما ناچار به قرار دادن آن زمان به عنوان مبدأ باشیم. دو زمان وجود دارد و هر دو می‌توانند به عنوان مبدأ قرار داده شوند، هم زمان شروع کسب و هم زمان حصول ربح و چون مرجّحی برای هیچ یک از دو طرف نیست، بنابراین دلیلی ندارد ما زمان حصول ربح را مقدم کنیم. در تقریب اول از راه تعیین زمان حصول ربح می‌خواستیم وارد شویم و مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم ولی اگر این زمان در یک فرضی متعین نباشد، دیگر ملزم به اینکه آن زمان را مبدأ قرار دهیم، نیستیم چون دو زمان پیش روی ما است، یکی زمان شروع کسب و دیگری زمان حصول ربح و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد. لذا تقریب اول قابل تمسک نیست و با تقریب اول نمی‌توانیم اثبات کنیم مبدأ سنه عبارت است زمان حصول ربح.

حال آیا با تقریب دوم می‌توانیم در مانحن فیه اثبات کنیم که مبدأ عبارت است از زمان حصول ربح؟

یک بار دیگر من فرض مورد بحث را مرور می‌کنم؛ فرض این است که مبنای ما مبنای مجموعی است. یعنی ارباح را با هم و مجموعاً لحاظ می‌کنیم. همه فواید را با هم در یک سال می‌بینیم و مؤونه‌ها را با هم در طی یک سال جمع می‌کنیم و این مجموع را از آن مجموع کسر می‌کنیم و فرض هم این است که این ارباح از طریق کسب و کار حاصل شده است. در این فرض باید دید تقریب دوم چه نتیجه‌ای می‌دهد؟

تقریب دوم صدق عنوانی بود. اگر ما این عنوان را لحاظ کنیم قهراً باید بگوییم اول باید ربح حاصل شود و سپس مؤونه کسر شود.

اما اینجا یک نکته وجود دارد که باید خوب به آن دقت شود؛ و آن این که در کنار این مسئله ما روایاتی داریم که دال بر استثناء مؤونه است و از آنها استفاده می‌شود که مؤونه تحصیل درآمد و مؤونه‌های زندگی، هر دو مجموعاً از ربح باید کسر شوند. هم مؤونه کسب و هم مؤونه قوت. این دو مجموعاً باید از ارباح کسر شود و مازاد بر آن متعلق خمس قرار بگیرد. این دو مؤونه در سیاق واحد استثناء شده‌اند از فائده و ربح و چون مؤونه کسب از زمان شروع کسب آغاز می‌شود، ما می‌توانیم مؤونه قوت را هم از زمان شروع کسب قرار دهیم چون این دو با هم در دلیل ذکر شده‌اند و سیاق هم واحد است. وقتی مؤونه کسب و هزینه‌های مربوط به تحصیل سود و درآمد از آغاز دوره کسب و کار شروع می‌شود، به قرینه وحدت سیاق و ذکر مؤونه قوت در کنار این مؤونه نتیجه می‌گیریم پس مؤونه قوت هم در مواردی که کسب و کار صورت می‌گیرد از زمان شروع کسب و کار است هر چند سودی حاصل نشده باشد.

پس ملاحظه بفرمایید، که تقریب دوم لولا ظهور بعضی از روایات استثناء در اینجا جریان داشت یعنی به مقتضای تقریب دوم در موارد تکسب هم باید ملتزم می‌شدیم به اینکه مبدأ عبارت است از زمان حصول ربح ولی به خاطر روایات استثناء که دو مؤونه را استثناء کرده، هم مؤونه قوت و هم مؤونه کسب و این دو مؤونه به سیاق واحد استثناء شده‌اند و مؤونه کسب از زمان شروع کسب محاسبه می‌شود، پس مؤونه قوت هم از زمان شروع کسب محاسبه می‌شود، هر چند هنوز ربحی محقق نشده باشد.

این هم بیان ایشان برای اثبات اینکه نظر مشهور و مرحوم سید تنها در چارچوب مبنای مجموعی و طریقه مجموعی قابل قبول است و الا قبول نیست.^۱

محصل قول ششم

محصل قول ششم این شد که بر مبنای انحلال و لحاظ استقلالی ارباح به طور کلی ما باید مبدأ سنه را زمان حصول ربح قرار دهیم، دو تقریب هم برای آن بیان شد اما بر مبنای مجموعی و بر اساس طریقه مجموعی حق با مشهور است که بین تکسبات و غیر تکسبات فرق گذاشتند و در غیر تکسبات مبدأ را زمان حصول ربح قرار دادند و در تکسبات، مبدأ را زمان شروع کسب قرار دادند. دلیل این قول هم کاملاً بیان شد که چرا بر مبنای انحلال مبدأ سنه عبارت از زمان حصول ربح است. دو تقریب گفته شد. همچنین گفته شد که چرا بنا بر مبنای مجموعی باید تفصیل داد و به چه دلیل زمان حصول ربح نسبت به غیر تکسبات مبدأ است ولی در مورد تکسبات زمان شروع کسب به عنوان مبدأ قرار داده می‌شود.

تفاوت بین قول ششم و سایر اقوال

تفاوت این قول با قول پنجم روشن است اما با قول اول و دوم و نیز سوم و چهارم چه تفاوتی دارد؟ در قول سوم و چهارم مطلقاً مبدأ سنه مؤونه عبارت است از زمان ظهور یا حصول ربح. طبق قول سوم و چهارم دیگر فرقی بین تکسب

۱. کتاب الخمس، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

و غیر تکسب گذاشته نشده. در قول اول که قول مشهور است، به طور کلی بین تکسبات و غیر تکسبات تفصیل دادند و دیگر مسئله را دائر مدار مبنای مجموعی و انحلالی نکردند.

تنها تفاوت قول ششم با قول اول فقط در این جهت است که بر اساس قول ششم تفصیل بین تکسبات و غیر تکسبات فقط بر طبق طریقه مجموعی قابل قبول است ولی اگر طریقه انحلالی را بپذیریم، مبدأ سنه دیگر زمان شروع کسب نیست بلکه زمان حصول ربح است. پس در قول اول مسئله دائر مدار آن دو طریقه نشده ولی در قول ششم دائر مدار این طریقه شده یعنی کأن در قول ششم گفته می‌شود که تفصیل مورد نظر مشهور و مرحوم سید فقط در یک صورت پذیرفته است و آن هم اینکه مبنای ما مبنای مجموعی باشد و اگر مبنای مجموعی نباشد، این تفصیل قابل قبول نیست و باید همه جا مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم.

فرق این قول با قول دوم هم که مختار امام (ره) بود روشن است چون قول دوم یعنی نظر امام با قول اول یعنی نظر مشهور و مرحوم سید در دو جهت تفاوت داشتند. ولی عمدتاً تفاوت از این جهت بود که امام (ره) بین حصول ربح تدریجاً و حصول ربح دفعتاً تفصیل دادند، حتی در تکسبات. گفتند در مثل زراعت که ربح دفعتاً حاصل می‌شود، مبدأ عبارت است از زمان حصول ربح اما در مثل تجارت که ربح تدریجاً حاصل می‌شود، مبدأ عبارت است از زمان شروع کسب و الا در سایر جهات مانند هم بودند. البته در غیر تکسبات هم امام می‌فرمودند خمس ندارد پس نیازی به تعیین مبدأ هم نیست.

به هر حال این تفاوتی است که بین این اقوال وجود دارد. حال قول ششم را باید بررسی کنیم و ببینیم آیا این قول درست است یا نه؟ آیا ما می‌توانیم این مسئله را به این نحو منوط به آن دو مبنا کنیم یا نه؟ بررسی قول ششم و جمع بندی این بخش ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»